

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۴

معرفی و نقد شروع برجسته گلشن راز شبستری

عبدالحسین لطیفی^۱

چکیده:

منظومه گلشن راز شبستری را به حق می‌توان یک دوره کامل عرفان نظری و حتی شناسنامه عرفان نظری دانست. این کتاب به‌رغم اختصار در حجم و تعداد ابیات، مضامین بلند و عمیق عرفانی را به شایستگی تبیین کرده و همین امر، فهم دقیق محتوای آن را حتی برای اهل فن نیز بسیار دشوار نموده است؛ لذا شرح‌های بسیار زیادی بر آن نوشته شده و این نوشتار درصدد آن است که ضمن معرفی مهم‌ترین شروع گلشن راز، به اختصار به نقد و بیان اهم ویژگی‌های آنها بپردازد. در نتیجه می‌توان گفت در میان مهم‌ترین شرح‌هایی که در این پژوهش مطالعه شده‌اند، شرح مفاتیح الاعجاز، هم به لحاظ پرداختن به تمام ابیات گلشن و هم به لحاظ عمق مطالب برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین شرح به شمار می‌آید که شروع پس از آن کمابیش وام‌دار آن هستند.

کلید واژه‌ها:

گلشن راز، شروع، مفاتیح الاعجاز، نسایم، صابین‌الدین، شرح الهی اردبیلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پیشگفتار

در میان گونه‌های ادبی، گونهٔ تعلیمی در ادبیات، از جایگاه شایان توجهی برخوردار است؛ چراکه افزون بر دربرداشتن دقایق و ظرایف ادبی، محتوا اهمیتی دو چندان می‌یابد و در حقیقت، هدف بنیادین صاحب اثر بیان و انتقال آموزه‌هایی است که آنها را برای مخاطبان خود مهم می‌داند. در ساحت ادبیات تعلیمی، نویسنده در بهره‌گیری از نظم و سجع دست‌کم سه هدف دارد: نخست اینکه مطالعه آنچه‌هایی که در نظر دارد، از رهگذر زیبایی‌های صوری نظم و سجع، برای مخاطب جذاب‌تر است؛ دوم اینکه از برکردن آن برای علاقه‌مندان، به‌ویژه در گذشته که سنت شفاهی بر تعلیم و تعلم حاکم بوده است، اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند؛ و سوم اینکه در امر حفظ و انتقال، تحریف و تغییر کمتری راه می‌یابد. از این‌رو منظومه‌های تعلیمی در عرفان و فلسفه و نظایر آن، جایگاهی بس ارجمند می‌یابند.

در ساحت عرفان، منظومهٔ گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری که می‌توان آن را به حق یک دورهٔ عرفان نظری دقیق و کامل دانست، همهٔ ویژگی‌های پیش‌گفته را داراست؛ لذا تأثیر آن بر آثار و افکار پس از خود به نیکوی آشکار است. در کنار اشمال این منظومه بر مضامین عمیق عرفان نظری، آنچه آن را محتاج شرح و بیان کرده است، ایجاز قابل‌توجه آن است؛ بنابراین، شرح‌های متعددی بر آن نوشته شده است که این تعدد و در عین حال گونه‌گونی مشرب شارحان، بر اعتبار و نقش برجستهٔ این منظومه افزوده است.

لذا این نوشتار که با روش تحلیلی و مبتنی بر شیوهٔ کتابخانه‌ای تدوین شده است، در صدد آن است که ضمن معرفی برجسته‌ترین شروح گلشن راز، اولاً، تحلیلی انتقادی به دست دهد تا از این رهگذر، وجوه تمایز این شروح به شکل مجمل و مثمیری در پیش روی مطالعه‌گران قرار گیرد؛ ثانیاً، جایگاه و سودمندی این منظومهٔ گران‌سنگ بار دیگر مورد تأکید و به تبع آن مورد بهره‌گیری هرچه بیشتر طالبان معرفت در این حوزه واقع شود.

پژوهش حاضر متکفل پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: ۱. از میان شروح گوناگون گلشن راز، کدام شرح‌ها را می‌توان برجسته‌تر دانست؟ ۲. وجوه تمایز شرح‌های موضوع این پژوهش کدام‌اند؟ دربارهٔ پیشینهٔ پژوهش باید گفت آثار قابل توجهی چه در باب تصحیح انتقادی و چه شرح گلشن راز پدید آمده است. برخی از این آثار در مجموعه‌ای به نام «چراغ‌جان» (۱۳۹۵) که به مناسبت بزرگداشت شیخ محمود شبستری تهیه شده، گردآوری شده‌اند. علاوه بر این، پژوهش‌های

دیگری نیز در قالب کتاب و مقاله به شرح زیر انجام شده است:

کتاب متن و شرح گلشن راز براساس قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شروع (۱۳۸۲)، به اهتمام کاظم دزفولیان، تهران، طلایه. آقای دزفولیان که در این مقوله کوشش قابل توجهی کرده است، با استفاده از شروع گوناگون کاری مقارنه‌ای به دست داده که البته انعکاس مفاتیح الاعجاز لاهیجی در آن ملموس است که با توجه به جایگاه این شرح، امری پذیرفتنی به نظر می‌رسد.

کتاب شرح گلشن راز (۱۳۹۰) نوشته وثوق‌الحکما میرزامحمدابراهیم خراسانی سبزواری، به تصحیح و اهتمام سیدحسن مدرسی، مشهد، پاپلی. در این کتاب، ضمن معرفی وثوق‌الحکما و شخصیت صاحب اثر، به شرح عمده ابیات گلشن راز پرداخته می‌شود. این کتاب به لحاظ تصحیح انتقادی و نیز وسعت معلومات صاحب اثر، یکی از سودمندترین آثار موجود در این باب است.

مقاله مهین پناهی و کبری بهمنی با عنوان «بررسی دایره‌های تعالی در گلشن راز و مفاتیح الاعجاز»، در مجله گوهر گویا، دوره ۷، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۵-۶۲. این مقاله کوشیده است به ارتباط روان‌شناسی به ویژه دیدگاه‌های یونگ با سلوک عرفانی در گلشن راز و شرح لاهیجی بر آن پردازد و با اشاره به برخی ابیات گلشن، موضوعات عرفانی همچون کشف، تزکیه و تصفیه و تعین را با نگرشی روان‌شناختی تحلیل کند.

مقاله فیروز مردانی، احمد امیری خراسانی و محمدرضا صرفی با عنوان «معرفی شرح احمد ابن موسی رشتی استادی و بررسی سبک شرح گلشن راز وی»، در فصلنامه تخصصی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۳۳۵-۳۴۳. این مقاله ضمن معرفی احمد ابن موسی رشتی استادی که شارح نه‌چندان بلندآوازه‌ای است، به بیان و نقد سبک ادبی‌زبانی و همچنین نگرش و رویکرد فکری این کتاب، یعنی شرح گلشن راز وی پرداخته است.

معرفی گلشن راز

در بین منظومه‌های مربوط به عرفان و حکمت که اشمال بر دقایق اسرار و متصوفه دارد و نیز لطف و جمال شعری را که در جای‌جای آنها هست، به کلی از بین نبرده است و گه‌گاه رایحه تغزل و شعر غرامی از آنها به مشام می‌رسد، منظومه کوتاه و حدوداً هزار بیتی گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری است که شهرت و قبول کم‌نظیری دارد. (زرین‌کوب، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

شیخ محمود شبستری این کتاب را به توصیه یکی از استادان خود در پاسخ به پانزده و به تعبیری هفده پرسش از امیرحسینی غوری هروی نوشته و در ضمن آن عمیق‌ترین و مهم‌ترین اصول عرفان و تصوف اسلامی را در قالب شعر بیان کرده است. با اینکه این کتاب حجمی نسبتاً کم و مطالبی مختصر دارد، از جنبه کیفی و معنوی بسیار پرمغز و جذاب است؛ به طوری که می‌توان گفت گلشن -

راز یک دوره مبانی عرفان نظری است (دزفولیان، ۱۳۸۲: ۷) و مانند دایرةالمعارفی است که برای آموختن عرفان و حکمت شرق قرون وسطایی بسیار مفید و ارزنده است. (شبستری، ۱۹۷۲: ۳) به-هرحال، با آنکه در کتاب، بنای کار بر ایجاز فوق‌العاده بوده است، شاعر با قدرت و مهارت عجیبی توانسته است قسمت عمده اصول و مبادی را در طی پاسخ‌هایی که به پرسش‌های امیرحسینی داده است، بگنجاند. (زرین‌کوب، ۱۳۹۵: ۱۸۷)

شهرتی که نصیب این کتاب کوچک شده، فقط نصیب دو سه کتاب منظوم عرفانی دیگر شده است و علت آن همانا فصاحت الفاظ و بلاغت معانی اشعار این کتاب است که بدون شک یکی از بهترین آثار تصوف و از شاهکارهای نظم عرفانی به‌شمار می‌رود. (سمیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۳)

شیخ شبستری در این مثنوی نه تنها پاسخ پرسش‌های هروی را داده است، بلکه به امثال و شواهد و بیان دیگر، آن را آراسته است؛ چنان‌که می‌توان گفت گلشن راز از بهترین رساله‌های موجز درباره مبادی تصوف است. (براون، ۱۳۹۵: ۶۶) شهرت شبستری نیز از بین آثارش به گلشن راز است. او این منظومه را در سال ۷۱۷ در قالب مثنوی به رشته نگارش درآورده است. (دینانی، ۱۳۹۵: ۲۹)

گلشن راز در عین حال که اثری کوچک است و حجمی اندک دارد، به‌راستی گلشنی از راز است و جهانی از جلوه‌های نیاز. (حکمت، ۱۳۹۳: ۹) اگر بخواهیم همه گلشن راز را در دو کلمه خلاصه کنیم، آن دو کلمه عبارت‌اند از: «تمثل» و «تمثیل»؛ در واقع کتاب گلشن راز مشتمل بر دو بخش است: جهان‌شناسی خیالی و زبان‌شناسی خیالی. شبستری در این کتاب بحث زیبا و دلکش و مستوفایی را نخست درباره وضع و دلالت الفاظ و سپس درباره زبان عرفان مطرح می‌کند. (همان: ۱۰۱ و ۱۰۴)

گلشن راز حاوی کلیدی است برای فهم مهم‌ترین مباحثی که در عرفان ابن عربی مطرح شده است؛ یعنی وحدت وجود و خود این مبحث، مدار همه مباحث دیگری است که در آثار محی‌الدین، به خصوص در کتاب فتوحات مکیه بررسی شده است. (همان: ۹)

همچنین، این منظومه از مصطلحات صوفیانی چون صدرالدین قونوی (م ۶۷۳)، فخرالدین عراقی (م ۶۸۸) و دیگر مردان هم‌مشرک این سلسله، و هم از سوانح امام احمد غزالی (م ۵۰۵) و آثار ابوعلی سینا (م ۴۳۸)، خاصه رساله‌العشق او و افکار اوحدالدین متأثر است. (آذریگدلی، ۱۳۳۶، ج ۱: ۱۳۹)

شیخ محمود در این کتاب مسایل فلسفی و حکمی و عرفانی را به ساده‌ترین وجه بیان می‌کند و به دلیل همین سلاست و روانی و اشتمالش بر معانی فراوان عرفانی است که مورد توجه عرفا و فضلالی ایرانی، فارسی‌زبانان غیرایرانی، خاورشناسان و سیاحان و مترجمان قرار گرفته است. نتیجه این اقبال

۳۷ چاپ، نه ترجمه به زبان‌های آلمانی (دو ترجمه)، اردو (دو ترجمه)، انگلیسی، ترکی (سه ترجمه) و عربی و ۵۳ شرح خطی چاپی است. (رادمنش، ۱۳۸۶: ۹-۱۰)

شروح گلشن راز

از میان شروح گلشن راز، بعضی از آنها نام شارح را دارد و برخی دیگر بدون ذکر نام شارح است و تاکنون شارح آنها معلوم و معین نشده است. بیشترین شروح گلشن راز به قرن نهم تعلق دارد؛ چنان‌که چهارده شرح تنها در این قرن نوشته شده است. پس از آن به ترتیب در قرن دهم هفت شرح، قرن یازدهم سه شرح، قرن دوازدهم یک شرح، قرن سیزدهم دو شرح و قرن چهاردهم نیز دو شرح بر گلشن راز نوشته شده است. (صدری‌نیا، ۱۳۹۵: ۲۳۱) در اینجا صرف‌نظر و پیش از شروحو که معرفی و نقد آنها موضوع این نوشتار است، به برخی از مهم‌ترین شرح‌ها اشاره می‌شود:

۱- شرح و سیط: از سیدمحمد مدنی نیشابوری مشهور به «میرمخدوم». وی مرید قاسم انوار و مقتول در سال ۸۳۰ ق است.

۲- شرح گلشن راز: اثر شیخ روح‌بخشان بدخشانی، خلیفه سیدمحمد نوربخش که آن را در نیمه اول قرن نهم هجری نوشته است.

۳- غنچه باز: از شخصی به نام عین‌الدین. وی گلشن راز را به صورت مستزاد درآورده و آن را «غنچه باز» نامیده است. سیدحسین بن سیدرضا در سال ۱۳۰۸ چندسطری از نظم و نثر به آغاز این شرح افزوده است و آن را به میرزاعلی اصغرخان اتابک تقدیم کرده است. همچنین همین شرح را محمد عنقا (متوفای شهریور ۱۳۴۱ ش) به پدر خود میرزا ابوالفضل عنقای طالقانی منسوب داشته و قسمتی از آن را به عبرت نائینی داده است تا در تذکره مدینه‌الادب ذیل عنقای طالقانی ثبت کند.

۴- حدیقه المعارف: از شجاع‌الدین کربالی که آن را به نام ابوالمظفر سلطان جهان‌شاه نوشته است. تاریخ شروع به تألیف آن ۸۵۶ق و تاریخ ختم آن ۸۶۷ق است.

۵- گلزار دمساز: از سیدشهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن ابی‌المواهب عطاءالله قویمی. تاریخ کتابت یک نسخه از آن را سال ۸۷۹ق نوشته‌اند.

۶- شقایق الحقایق: از شیخ احمد الهی که آن را به نام سلطان ابوالفتح بایزید بن محمد مراد نوشته و مربوط به اواخر قرن نهم هجری است.

۷- شرح گلشن راز: از خواجه معین‌الدین محمد بن محمود، معروف به «دهدار» و متخلص به «فانی» (متوفای ۱۰۱۶ق). این شرح در واقع تلخیصی از مفاتیح الاعجاز لاهیجی است.

۸- شرح گلشن راز: از مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی (متوفای ۱۰۵۱هـ).

۹- رساله مشواق یا شرح ملامحسن فیض (متوفای ۱۰۱۹ق): این متن شرح اصطلاحات عرفانی

است که در گلشن راز به خال و خط و چشم و لب و دهان و مانند اینها تعبیر شده‌اند و خیلی مختصر است.

۱۰- مجموعه الفوائد یا شرح گلشن یا شرح فن: شارح آن نامعلوم است. این شرح گزیده و برگرفته‌ای از مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز است که شارح آن در بعضی از موارد به کلام لاهیجی اعتراض کرده است.

۱۱- رساله محمودیه: از میرزا عبدالکریم ریض‌الدین زنجانی، متخلص به «عجوبه» و ملقب به «عارف علیشاه» (متوفای ۱۲۹۹هـ).

۱۲- شرح گلشن راز اثر حاج میرزا محسن عماد اردبیلی متخلص به «حالی»: این شرح در سال ۱۳۳۳ش در تهران چاپ شده و خلاصه‌ای از مفاتیح الاعجاز است.

۱۳- خیرالرسائل: منظومه‌ای است از سیدمحمد بن محمود حسینی لواسانی تهرانی، معروف به «عصار» که در سال ۱۳۳۰ق پایان یافته است. (دزفولیان، ۱۳۸۲: ۴۱-۴۳)

همچنین، شایان ذکر است که مولانا عبدالرحیم خلوتی (۸۵۹) و جلال‌الدین دوانی (۹۰۸) بعضی از ابیات دشوار گلشن راز را شرح و تفسیر کرده‌اند و ملامحسن فیض در رساله مشواق یا دیباجه الاشواق الاربعه که مقدمه گلزار و دواوین اربعه اوست، اصطلاحات فرقه صوفیه و کلمات مشایخ آن طایفه را شرح و توضیح داده و شواهدی از گلشن راز آورده است (تربیت، ۱۳۱۰: ۶۰۷)

شرح صاین‌الدین علی ترکه اصفهانی (متوفای ۸۳۶هـ)

خواجه علی بن محمد بن افضل‌الدین محمد ترکه خجندی اصفهانی، ملقب به صاین‌الدین و مکنی به ابومحمد، از علمای بنام اصفهان بوده است. جدش سیدمحمد ترک و اصل آنان از خجند بود و لذا به «ترکه» معروف شده‌اند. (بهار، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۲۶-۲۲۸)

برخی از ویژگی‌های شرح صاین‌الدین

۱- در نثر کتاب کلمات و ترکیبات عربی فراوانی به کار رفته است؛ مانند صورتاً، معنیاً، بالاعتبار، لذاته، فافهم، لاهوتیت، خاتم‌النبوه، بالتحقیقه، دائم‌الابد، ناسوتیت، کماهی علیه، معتدبه، مستلزم‌الحال، عندالمفارقة، عندالفنا.

۲- عبارات و اصطلاحات عربی در متن کتاب بسیار است؛ مثال:

«... و موجودات نزد ایشان مرکب است از هیولی و صورت، نیز همچنین است کل باطن و ماده یظهر فیها صورۀ یسمونها هیولی، و هیولی بی صورت در خارج نیست». (ترکه اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۸)
«... عرض در دو زمان بقایی ندارد، العرض لایبقی زمانین» (همان‌جا). «...دویم آنکه وجود بعضی بر

عبث بودی، و این هر دو ظاهر است، کما قال المحقق: لایتجلی فی صورۀ مرتین و لایتجلی فی صورۀ الاثنین». (همان: ۱۰۸)

۳- با وجود ترکیبات و عبارات و اصطلاحات عربی، طبعاً نثر کتاب مصنوع و متکلف است؛ مثال:

«... و ممکن نیست بجز واجب دگر چیزی بماند؛ زیرا که موجود نمی تواند که ممکن باشد، از بهر آنکه ممکن شیء ثبت له الا مکان است و امکان تساوی طرفین و شیء که وجود و عدم نسبت به او مساوی باشد، موجود نمی تواند، از بهر آنکه شیء را موجود گفتن، که عدم او نسبت به وجود او برابر است، مهمل است». (همان: ۱۴۸)

۴- گاهی برعکس، برخی از ابیات را به زبان ساده و روان شرح کرده است؛ برای نمونه:
«... هر طایفه ای که در معرفت حق و در وحدت او سخنی گفته اند، از مرتبه دانش و بینش خود نشانی و خبری داده اند، نه آنکه او را شناخته اند». (ترکه اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۲)

۵- استناد به آیات و احادیث و اقوال مشایخ؛ به طوری که در بعضی از موارد برای شرح یک بیت به چند آیه یا حدیث استناد می کند؛ مثال:

«... غرض شیخ آن است که همه کمالات که انبیای سابق علیهم السلام مبعوث بوده اند، برای آن ختم همه در تعین محمدی (ص) شده است، از این جهت است که وجود و علت غایی مجموع موجودات است؛ «لولاک لما خلقت الافلاک» صریح است بر این، و کلام او که «من رآنی فقد رای الحق» همین است، که هر که مرا دید و دانست همه کمالات را در کسوت حق واقع دید و دانست کلام حق همه ناطق بر این است که «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله»؛ یعنی آن کسانی که بیعت و متابعت کرده اند با تو ای محمد، به درستی که بیعت و متابعت به حق است...» (همان: ۵۳)

۶- استناد به شعر شعرا: در اکثر موارد برای تبیین و تفهیم مطلب به ذکر یک یا چند بیت شعر، به خصوص از عطار و مولوی می پردازد.

۷- استناد به کلام بعضی علما و مشایخ.

۸- در این شرح بسیاری از ابیات شرح نشده اند، به خصوص در قسمت پایانی کتاب درباره سؤالات دوازده و سیزده و چهارده و پانزده فقط چند جمله به اختصار نوشته است که البته بسیار سودمند، اما خیلی مختصر و کوتاه است. همچنین برخلاف شرح لاهیجی که تمام ابیات را جداگانه معنی و شرح کرده، صابن الدین غالباً دو یا چند بیت را با همدیگر معنی کرده است. (ر.ک: همان)

۹- مصدرهای جعلی عربی زیادی در متن به کار رفته است: قابلیت، جامعیت، موجودیت،

روحانیت، بدلیت، حیثیت، ختمیت، مظهریت و... (ر.ک: همان)

۱۰- «ی» بیان شرط در آخر بعضی از افعال به کار رفته است؛ مثال:

«...اگر ضروری بودی، منعدم نشدندی». (همان: ۳۶)

شرح موسوم به نسائم گلشن

نظام‌الدین محمود بن حسن المحسنی، معروف به «شاه داعی» یا «الداعی الی الله» یا «داعی» (۸۱۰-۸۷۰ هـ.ق) از سادات علوی شیراز و از اعقاب قاسم بن حسن معروف به داعی‌الصغیر بود. وی پس از کسب فنون ادبی و علوم متداول زمان خویش، خاصه علوم شرعیه، قدم در وادی سیر و سلوک نهاد و به خدمت مرشدالدین ابواسحاق بهرانی (متوفای ۸۱۵ق) رسید؛ بهرانی از مریدان شاه نعمت‌الله ولی و پیشوای صوفیان نعمت‌الهی در شیراز بود. (صفا، ۱۳۶۲، ج ۴: ۲۳۳) او عارف، حکیم و شاعر برجسته قرن نهم هجری است که نسبش با نوزده واسطه به شهید شهر علوی زید بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب می‌رسد. او همچنین از اولاد عالم شجاع، قاسم بن حسن داعی صغیر است که در اواخر قرن سوم هجری در برابر حکومت‌های دست‌نشانده خلافت عصیان کرد و موفق شد تا طبرستان و گیلان و گرگان و ری را تحت حاکمیت خویش درآورد. او در شعر «داعی» تخلص می‌کرد. (شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۶)

شاه داعی بخش عمده‌ای از سن شصت ساله خود را در شهر شیراز زیست و به وعظ و تربیت نفوس پرداخت. او از ابتدای جوانی قدم در وادی سلوک گذاشت و از محضر شیخ مرشدالدین ابواسحاق بهرانی و شاه نعمت‌الله ولی در این راه برخوردار شد؛ البته در این میان، نقش اصلی را در تربیت معنوی و باطنی او همانا عارف بزرگ کرمانی، شاه نعمت‌الله ولی، بر عهده داشته است. ظاهراً شاه داعی ۲۴ سال بیشتر نداشته است که به خدمت عارف کرمانی می‌رسد. در سفر از شیراز به کرمان، سید سراج‌الدین یعقوب، برادر شاه داعی و شجاع‌الدین عزیز، دوست او، همراهش بوده‌اند. شیخ مرشدالدین ابواسحاق بهرامی شیرازی (متوفای ۸۴۱ق) دیگر استاد شاه داعی به «شیخ چهار کتاب» معروف بوده است. او در کوه بنان به خدمت شاه نعمت‌الله ولی رسیده است و هفده سال مرید آن پیر شهیر بوده است. (همان: ۷۷)

یکی از بهترین آثار شاه داعی، شرح گلشن راز موسوم به نسائم گلشن است که تاکنون دو بار تصحیح و چاپ شده است که بار اول محمدنذیر رانجها، از دانشمندان معاصر پاکستان، آن را تصحیح کرده و در سال ۱۳۶۲ش برابر با مارس ۱۹۸۳م مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان آن را چاپ کرده است. بار دوم به کوشش پرویز عباسی داکانی، تصحیح و در سال ۱۳۷۷ در تهران به چاپ رسیده است. (دزفولیان، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۱)

شارح این شرح مطالب خود را غالباً به صورت موجز و دور از اطناب نوشته و مانند شرح

صاین‌الدین اغلب دو یا چند بیت را با همدیگر معنی و شرح کرده است. اگرچه از نظر زبانی و صرفی تاحدودی مانند شرح صاین‌الدین است، اما از نظر نحوی و ساخت جمله، غامض‌تر و پیچیده‌تر است؛ به طوری که در بعضی از موارد به سختی می‌توان مقصود و منظور شارح را دریافت. (همان: ۵۱)

این شرح هم از جنبه تاریخی حایز اهمیت است و هم از حیث مضمون و محتوا بسیار ارزشمند و از جمله شروع مؤثر و مفید گلشن راز به‌شمار می‌آید که شاه داعی آن را مطابق نظریه وحدت وجود ابن عربی تفسیر کرده است. (پورجوادی، ۱۳۹۵: ۹۸)

در این شرح جز چند بیت، باقی ابیات شرح شده‌اند. شاه داعی چون با مبانی عرفان نظری و تصوف علمی آشنا بود، به خوبی از عهده شرح برآمده است. او گاهی چند قول ممکن را در ذیل هر بیت نقل می‌کند و احتمالات مختلفی را که ممکن است درباره آن بیت به ذهن آید، نقل می‌کند، اما در همه جای شرح خویش به مبانی عرفا وفادار است و به کلام و فلسفه نمی‌گراید. (شیرازی، ۱۳۷۷: ۹۹)

برخی از ویژگی‌های نسائم گلشن

۱- برخلاف شرح صائن‌الدین، از واژه‌ها و ترکیبات عربی و دشوار کمتر استفاده شده و عبارات عربی آن کمتر از شرح صاین‌الدین است، اما با وجود این، واژگان و ترکیباتی از این نوع در آن دیده می‌شود؛ مانند صقالت، عندالتحقیق.

۲- مانند سایر شروع در شرح اغلب ابیات به آیات قرآن و احادیث و اقوال مشایخ استناد شده است.

۳- به برخی شاعران در این شرح استناد می‌شود و در این میان عمدتاً اشعار عراقی، مولوی، شاه نعمت‌الله ولی و قاسم انوار آورده شده است. (ر.ک: شیرازی، ۱۳۷۷)

۴- برخی از اصطلاحات و رموز و اشارات عرفانی را به خوبی و به طرز زیبا و دلنشین تعبیر و تأویل کرده است؛ مثال:

... رخ، مثال تجلی جمال و زلف مثال تجلی جلال است. (شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۰۵)

... خط، مثال لطایف تجلی جمالی و خال نکته ظهور تجلی است. (همان: ۳۰۴)

۵- مصدرهای جعلی عربی در این شرح نیز وجود دارد، اما کمتر از سایر شروع؛ مثل الوهیت، مظهریت، صانیت، جزویت و ...

۶- مطابقت صفت و موصوف در این شرح دیده می‌شود؛ مثل ملکات مدخره، آیه مذکور، واردات غیبیه، موجودات ممکنه و ...

۷- گاهی فعل به قرینه حذف می‌شود؛ مثال:

... اما طایفه‌ای را صاف رسیده و فرقه‌ای را دُرد. (شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۴۰)

...صوفیان لفظ خرابات را یا از برای دل شکسته استعاره کنند یا از جهت مقام فناء سالک.

(همان: ۳۴۳)

مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز

لاهیجی از مشهورترین مشایخ سلسله نوربخشیه است. در عصر خود بسیار محترم و محل اعتقاد عوام و خواص بوده تا آنجا که میرصدرالدین شیرازی و علامه محمد دوانی در بعضی مقامات، رکاب او را از روی تعظیم گرفته، سوار کرده‌اند. این هر دو از بزرگان متکلمان و اعیان حکما به-شمار می‌روند و خود مورد احترام امرا و سلاطین زمان بوده‌اند. (رادمنش، ۱۳۸۶: ۱۰)

تمایلات شیعی وی که ارتباط آن با سیدمحمد نوربخش و استمرار بر خلافت او در شیراز نیز مربوط بدان است، نه فقط در اینکه خاتم‌الاولیا را با مهدی شیعه منطبق می‌کند، بلکه در بیانی نیز که از ارتباط بین مفهوم ولایت و نبوت دارد، آشکار است. تفسیر لاهیجی به تعبیری رساله‌ای است درباره معرفت انسان کامل و از این جهت ارتباط کبرویه و نوربخشیه را با تعلیم امثال ابن عربی و سعدالدین حموی و عزیز نسفی و سیدحیدر آملی نشان می‌دهد. (زرین‌کوب، ۱۳۹۵: ۱۸۸)

شارح در طی کتاب، انتساب و ارتباط خود را به سیدمحمد نوربخش اظهار می‌کند، از واقعات و تجارب عرفانی خود مکرر یاد می‌کند و در ضمن شرح تعلیم صوفیه بین اصطلاحات ابن عربی و شارحان او با تعلیم شیخ کبرویه، از جمله میر سیدعلی همدانی تلفیق می‌کند (همان‌جا).

وی بعد از انتقال به شیراز و اقامت در آن شهر، به ارشاد و هدایت نوربخشیان فارس اشتغال یافت و در شیراز خانقاهی موسوم به خانقاه نوریه تأسیس کرد که سلاطین زمان رقبات نفیس بر آن وقف کرده بودند. او در سال ۹۱۲ درگذشت و در همان خانقاه مدفون شد. (شوشتری، ۱۳۷۶: ۳۰۹)

از مزایای بارزی که این شرح بر شروح دیگر دارد، یکی این است که لاهیجی تمام ابیات گلشن راز را شرح کرده و دیگر اینکه وی به علت اطلاعات زیادی که از انواع علوم رسمیه و احاطه‌ای که بر علم کلام و حکمت و تصوف علمی و عملی داشته، مسایل ذوقی عرفان را در مواردی که دور از ادراک عقل بوده، با استدلال علمی توأم ساخته و به این وسیله آنها را به ادراک عقل نزدیک کرده است و این کاری است که از عهده هر شارحی بر نمی‌آمده است. (رادمنش، ۱۳۸۶: ۱۱)

برخی از ویژگی‌های مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز

۱- لاهیجی در بعضی موارد اختلاف نسخه‌های گلشن راز را با نسخه خود ذکر کرده و با روشی

عالمانه صورت‌های مختلف یک کلمه یا یک مصراع یا یک بیت را توضیح داده است.

۲- در مورد برخی از ابیات که ابهام دارند و می‌توان آنها را به دو یا چند صورت معنی کرد، معانی مختلف را نوشته است.

۳- اغلب ابیات را با استناد به آیات قرآنی و احادیث و اقوال مشایخ، شرح و توضیح داده است.

۴- برای شرح و تأکید بیشتر، سخن خود را مستند به شعر شعرای بزرگی چون سنایی، عطار، اوحدی مراغه‌ای، مولوی، عراقی، شمس مغربی، سعادت‌نامه و حتی مثنوی اسرارالشهدود از شارح کرده است که در این مورد نیز نسبت به سایر شروح برتری دارد.

۵- در بعضی موارد برای شرح و توضیح بیشتر، از دیگر آثار شبستری، به‌ویژه حقیقین استفاده کرده است.

۶- اغلب اصطلاحات عرفانی، حکمی و کلامی گلشن راز را شرح و توضیح داده؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت این شرح، یک دوره کامل از مبادی و مبانی عرفان و تصوف اسلامی است.

۷- برخلاف شرح صائِن الدین و نسائم گلشن، اغلب مطالب خود را به تفصیل و با اطناب بیان می‌کند که البته گاهی اطناب کلام او باعث دشواری فهم مطلب می‌شود.

۸- مصدرهای جعلی عربی در این کتاب به‌وفور به‌کاررفته است: حیثیت، موجودیت، ازلیت، خالقیت، کلیت، اثبیت، غیریت، حقانیت، مظهریت، عکسیت و...

۹- عبارات و ترکیبات عربی در این شرح نسبتاً زیاد است: لحظه فلیحظه، موقوف علیه، منتهی- المعرفه، کماینغی، علی هذاالقیاس، فی نفس الامر...

۱۰- مطابقت صفت و موصوف، مثل ارباب اذواق، وجودات موجودات، تصدیقات معلومات، ظهورات شؤونات، تطورات ظهورات، تجددات تعینات، نقطه‌ اخیره... (ر.ک: لاهیجی، ۱۳۳۷)

شرح شیخ بابا نعمت‌الله بن محمود نخجوانی

درباره زندگانی و احوال شیخ بابا نعمت‌الله معروف به «شیخ علوان» (متوفای ۹۲۰ق) اطلاع چندانی در دست نیست. آنچه مسلم است، این است که وی از مشایخ و عرفای قرن نهم و اهل نخجوان بود که در اواخر عمر به خاک عثمانی رفت و در آق‌شهر (مرکز ولایت قونیه) ساکن شد و به همین سبب به «علوان آق‌شهری» معروف شد و در همان‌جا نیز وفات یافت. (دزفولیان، ۱۳۸۲: ۶۲)

بابا نعمت‌الله از عرفای طریقت نقشبندیه و از بزرگان این سلسله بوده است. وی را در طبقه مشایخ عهد سلطان بایزیدخان بن سلطان محمدخان غازی (۸۸۶-۹۱۸هـ ق) دانسته‌اند. (همان‌جا) سال تولد بابا نعمت‌الله را در هیچ تذکره‌ای ذکر نکرده‌اند و درباره سال وفات او نیز اختلاف نظر

وجود دارد؛ برخی آن را ۹۰۲ و برخی دیگر ۹۲۰ هـ ق دانسته‌اند. (ر.ک: مدرس تبریزی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۲۱۷؛ نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۸۲ و تربیت، ۱۳۱۴: ۱۱۳)

ظاهراً این شرح تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. نسخه خطی آن در فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران به شماره ۴۰۷۷ موجود است. کاتب آن درویش علی نبوی و به خط نستعلیق است. رسم الخط آن با رسم الخط امروز چندان تفاوتی ندارد و کتابت آن روز جمعه نیمه رجب سال ۱۰۸۷ در دمشق به پایان رسیده است. (دزفولیان، ۱۳۸۲: ۶۳)

این شرح نیز از شروع نسبتاً خوب گلشن راز است که بسیار مؤجز و خلاصه است. شارح آن تقریباً تمام ابیات گلشن راز را هرچند بسیار خلاصه و مختصر شرح کرده است؛ به طوری که هر بیت را با دو یا چند جمله ساده شرح کرده و گاهی چند بیت را با همدیگر توضیح داده است. در شرح برخی از ابیات به آیات قرآن و احادیث و اقوال مشایخ استناد کرده است، اما نه در حد سایر شروح.

برخی از ویژگی‌های شرح بابا نعمت‌الله نخجوانی

۱- شارح گاهی برای توضیح و تأکید بیشتر، به بیت یا ابیاتی از فریدالدین عطار، مولوی و عراقی استناد کرده است.

۲- در پاره‌ای موارد به قول ابن عربی و برخی دیگر از علمای متصوفه، از جمله ابراهیم ادهم، ابوسعید و حلاج اشاره کرده است.

۳- با اینکه شرحی موجز است، بعضی اصطلاحات گلشن راز را که دیگر شروح معنی نکرده‌اند و لو مختصر، توضیح داده است.

۴- با اینکه مطالب خود را مختصر نوشته است، اصطلاحات اهل منطق و فلسفه بسیار در آن دیده می‌شود.

۵- در بیان مفاهیم مورد نظر خود، از جملات ساده و کثرت فعل استفاده کرده است؛ مثال: ... یعنی می‌گوید که هرگاه که این معنی، یعنی بحث تفکر و تدبر و تذکر و ترتیب و غیر ترتیب کسی می‌خواهد که بداند، ناچار است که علم قانون بخواند که منطبق است و در این باب به‌کار دارد.

۶- تکرار فعل نسبتاً زیاد است؛ مثال:

... یعنی در صنع که مشاهده می‌کند، اوّل صانع را مشاهده می‌کند، آنگاه مصنوع را مشاهده می‌کند.

۷- مطابقت صفت با موصوف در نثر آن یافت می‌شود؛ مثل موجودات مکونات، قابلیت استعدادات.

۸- حذف فعل به قرینه در این شرح بسیار رایج است؛ مثال:

... و هرچه چشم بصر است باطل را می‌بیند و چشم بصیرت حق را.

۹- صفت تفضیلی عربی بسیار به‌کاررفته است؛ مثال:

... فرشته از انسان اشرف است و انسان از ملائکه اکمل... و ملائکه را نسبت با قلب واسطه است

و اقرب از انسان است.

۱۰- جملات اغلب به‌صورت وجه مصدری به‌کاررفته‌اند؛ مثال:

... و یا در صورت دیگر باید مشاهده‌کردن و بی‌تعیین نمی‌توان معرفت حاصل کردن. (دزفولیان،

۱۳۸۲: ۶۳-۶۴)

شرح حسین بن خواجه شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی

خواجه شرف‌الدین متخلص به «الهی» (متوفای حدود ۹۵۰ق) از مشایخ قرن نهم و دهم هجری است. سال تولد وی را ۸۷۰هـ ق و سال مرگش را در تذکره روشن ۹۳۷هـ ق و در ریحانه‌الادب، سال ۹۴۰ یا ۹۵۰هـ ق نوشته‌اند که ظاهراً سال ۹۵۰ درست‌تر است. (همان: ۵۶)

الهی علوم مقدماتی را در زادگاه خود تحصیل کرد و مدتی نزد استادانی چون شیخ عزیزالدین علی آملی و شیخ حیدر بن جنید و صفی‌الدین اردبیلی کسب کمال کرد و پس از آن با حکم سلطان حیدر صفوی به شیراز و خراسان سفر کرد و نزد دانشمندان بزرگ آن زمان، از جمله جلال‌الدین دوانی، امیر غیاث‌الدین شیرازی و امیر جمال‌الدین عطاءالله بن فضل‌الله تکمیل فضایل کرد. (همان- جا)

الهی مدتی در هرات به ندیمی امیرعلیشیر نوایی و شاهزاده غریب میرزا ولد سلطان میرزا گذرانید و پس از درگذشت این شاهزاده در سال ۹۰۲ق، به آذربایجان بازگشت. وی پس از بازگشت به اردبیل در حظیره شیخ صفی‌الدین اردبیلی به تدریس و تعلیم علوم و معارف پرداخت و سرانجام در سال ۹۵۰ق در سن حدود هفتاد سالگی وفات یافت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. (دولت‌آبادی، ۱۳۵۵، ج ۱: ۴)

او مردی عالم و فاضل بود که در علوم معقول و منقول و طب مهارت داشت و به عرفان و تصوف آشنا بود. ذوق شعری خوبی داشت؛ به‌طوری‌که بسیاری از ابیات گلشن راز را به‌صورت شعر شرح کرده است. الهی بیش از سی جلد کتاب و رساله و تعلیقه و حاشیه به زبان‌های فارسی و عربی نوشته و ظاهراً او نخستین کسی است که علوم شرعیات را طبق مذهب شیعه به پارسی تألیف کرده است. (ر.ک: مدرس تبریزی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۱۶۸؛ صبا، ۱۳۶۷: ۷۴، تربیت، ۱۳۱۴: ۹۲، کربلایی تبریزی، ۱۳۴۹، ج ۳: ۱۱۳ و دولت‌آبادی، ۱۳۵۵: ۱۷۴)

مزیتی که این شرح دارد، این است که شارح پیش از آنکه گلشن راز را شرح کند، مقدماتی

سودمند درباره مبادی و مبانی عرفان و تصوف اسلامی نوشته است؛ بدین صورت که عنوان هر مقدمه را مطلع نهاده و مجموع آنها دوازده مطلع است که برای آشنایی با مبانی عرفان و تصوف بسیار سودمند است؛ عناوین مطالع یا مقدمات عبارت اند از: موضوع، محمول و مبادی علم عرفان؛ بیان واجب و ممکن؛ مراتب معلومات کلیه؛ صفات الهی و مظاهر معنوی و صوری آنها؛ چگونگی علم حق تعالی و ارتباط آن با ظهور مظاهر غیرمتناهی؛ آیات و احادیث دال بر ظهور ذات حق در مظاهر؛ مراتب کلیه حقیقت وجود؛ مظاهر و اسمای حقیقت انسانی در عالم صغیر؛ انواع اسفار عارفان؛ خواب، واثعه و مکاشفه و اقسام آنها؛ رابطه محبت میان محبان و محبوبان؛ اقسام مشاهده کنندگان صفت جمال در صورت انسانی.

شارح پس از این مقدمات به شرح گلشن راز می پردازد، اما این شرح تا حدود زیادی تحت تأثیر مفاتیح الاعجاز نوشته شده و این تأثیرپذیری بدین گونه است که گاهی عیناً مطالب مفاتیح الاعجاز را در کتاب خود نقل کرده است. (ر.ک: الهی اردبیلی، ۱۳۷۶)

در برخی موارد، مطالب لاهیجی را که با واژگان و عبارات عربی و دشوار فارسی آمیخته است، با زبانی ساده و روان بیان کرده و اطناب هایی را که لاهیجی به کار برده، با ایجاز و با نثری ساده و بلیغ بازآفرینی کرده است. (همان)

برخی از ویژگی های شرح خواجه شرف الدین

۱- برخی از ابیات گلشن راز را فقط با ذکر یک یا چند بیت از اشعار خود شرح داده است، به-ویژه در قسمت های پایانی کتاب که حدود ۲۲۰ بیت است، هیچ گونه توضیحی نداده و فقط به ذکر یک یا چند بیت از اشعار خود بسنده کرده است.

۲- استناد به آیات و احادیث و اقوال مشایخ در این شرح نیز بسیار وجود دارد؛ با این تفاوت که اردبیلی بسیاری از آیات و احادیث را به صورت ترجمه فارسی به کار برده است و در برخی موارد، احادیث و اقوالی نقل کرده که در شرح لاهیجی نیامده است.

۳- استناد به شعر شعرای دیگر که در سایر شروح گلشن راز رایج است، در شرح اردبیلی به-ندرت دیده می شود و به جای آن برای توضیح و تفهیم معنی بیت، از اشعار خویش استفاده کرده است که تعداد این ابیات حدود دوهزار بیت است.

۴- درباره برخی از ابیات که ابهام دارند و می توان آنها را به دو یا چند صورت معنی کرد، هر دو یا چند صورت را آورده است.

۵- در همه شروح گلشن راز، رگه هایی از سجع وجود دارد، اما در شرح اردبیلی بیش از سایر شروح، سجع به کار رفته است؛ به طوری که سجع در این کتاب محسوس است؛ مثال:

... این اعتبارات که نسبت با ماست همه برخاسته و تمیز از مابین کاسته
... و مشابَهت نفس انسانی به موج روشن است نزد اهالی و دُرّ شهور اعلای دُرّ است و لآلی.
۶- کلمات و ترکیبات عربی در این شرح بسیار دیده می‌شود؛ مثل تغانق، توحّد، رباع، مرایا،
معلوم‌الاسم، معدوم‌الجسم، انسان‌العین و...
۷- در این کتاب گاهی حذف فعل به قرینه نیز دیده می‌شود؛ مثال: ...چه، هر جمالی را جلالی
است و در پس پرده هر جلالی، جمالی.
۸- «اند» به جای «هستند» به کاررفته است؛ البته این مورد کمتر از شروح لاهیجی و صابن‌الدین
است.

۹- کاربرد «مر» قبل از مفعول، به ندرت دیده می‌شود؛ مانند «... مثالی است مناسب مر ارتباط را
میان ممکن و واجب».

می‌توان گفت به‌رغم اینکه این شرح ویژگی‌های خاص خود را دارد، در مجموع تحریری دیگر
از شرح لاهیجی و به‌نوعی بازآفرینی آن است. (دزفولیان، ۱۳۸۲: ۵۷-۶۰)

شرح گلشن راز وثوق‌الحکما

محمد ابراهیم بن محمدعلی خراسانی سبزواری معروف به وثوق‌الحکما در شهر سبزواری دیده به
جهان گشود. در هیچ‌یک از منابع مکتوب به سال تولد وی اشاره نشده است، اما درگذشت وی را
حدود سال ۱۳۵۸ هـ ق ثبت کرده‌اند. او از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری بوده است. شرح گلشن
راز یکی از آثار وثوق‌الحکماست و به سال ۱۳۳۰ ق در تهران در ۴۱۴ صفحه به چاپ رسیده است.
(خراسانی سبزواری، ۱۳۹۰: پنج)

این کتاب شرح ۷۲۸ بیت و مصرع گلشن راز است. محمد ابراهیم بن محمدعلی سبزواری شرح
خود را با حمد و ستایش خدایی آغاز کرده است که افاضه‌کننده نور وجود و مدبر امور و برپادارنده
آسمان‌ها و به همه چیز داناست و اینکه اوست اول و آخر، پیدا و پنهان تمامی وجود. سپس بهترین
درو و تحیات را بر روان پاک شریف‌ترین نماینده او حضرت محمد و بر ولی و وصی بلافصل او،
علی مرتضی و یازده فرزند بزرگوار او^(س) نثار کرده است. شارح شمه‌ای از مقامات و مراتب علمی و
معنوی مؤلف منظومه گلشن راز شیخ محمود شبستری را با صفات «حکیم العصر، ملک‌الکلام،
معروف‌البیان، شمس‌العارفین و...» یاد می‌کند. این کتاب در حقیقت، آینه رفتار، عقاید و اطلاعات
گسترده شارح به علوم متداول زمان است که به لحاظ اشمال بر مسائل مهم عرفانی، می‌توان آن را
یکی از گنجینه‌های باارزش به‌شمار آورد. (خراسانی سبزواری، ۱۳۹۰: یازده)

برخی از ویژگی‌های شرح گلشن راز و ثوق الحکما

- ۱- شارح از اقوال اهل فلسفه، عرفان، امثال و عبارات عربی در توضیح ابیات گلشن راز به هر مناسبتی بهره می‌برد.
- ۲- در این شرح به مواردی برمی‌خوریم که مفهوم حدیث به عربی بر زبان شارح جاری شده است؛ مانند «انما الاعمال بالنیات»؛ «عبادات و طاعات متفاوت بتفاوت النیات». شارح از ابتدا تا انتهای کتاب چاپی در صدر و حاشیه هر صفحه با عبارتی یا ترکیبی، محتویات آن صفحه را پیش روی خواننده قرار می‌دهد؛ مانند «اثبات طریقه حقه» یا «تبیان حشرونشر مؤمن».
- ۳- تعداد ابیات فارسی استنادشده بدین‌قرار است: ۶۰۸ بیت و ۵۷ مصرع فارسی که بیشتر آنها از بایزید بسطامی، سنایی، سعدی، مولوی، جامی،... و معدودی از شاعران ناشناس است. از مجموع ۴۴ بیت عربی که به‌عنوان حجت و برهان آورده، سیزده بیت آن منسوب به حضرت علی است، چهار بیت از ابوعلی سینا و چهار بیت از شیخ بهایی و حاجی اسرار و ۲۵ بیت و دو مصرع از شاعران ناشناس است.
- ۴- در این کتاب به عباراتی برمی‌خوریم که یادآور نثر مسجع خواجه عبدالله انصاری است؛ مانند «شرط رهرو به کران رفتن است ای کامل! رسم عاشق خود کشتن است ای عاقل! نه خودرأی گشتن...».
- ۵- استفاده از ترکیبات عربی مانند آخر الامر، کثیرالخیر، ممتنع‌الوقوع.
- ۶- تطابق صفت با موصوف؛ مثل امورات حسنه، لذاذذ محسوسه و مطالب معقوله.
- ۷- حذف فعل ربطی به قرینه؛ مثال:
... و خالق حکیم راست‌کردار است و درست‌گفتار. باید جسم مرکب نه در زمین باشد و نه در آسمان و نه در مابین زمین و آسمان.
- ۸- تقدم فعل بر دیگر ارکان جمله؛ مثل «... و اوست منبع کل کمالات و مبدأ تمام اشارات».
- ۹- به‌کارگرفتن «چه» به جای «زیرا»؛ مانند: «... حقیقت انسان که... کتاب تکوینی حق است؛ چه مندرج و مندمج است در او جمیع آیات آفاقی و انفسی».
- ۱۰- به‌کارگرفتن «چه» به جای «چو»؛ مانند «هستی چه دریاست، قلب چون کشتی، در خود سفر کن که کجاها گشتی».
- ۱۱- به‌کاربردن جمع‌های مکسر با علامت جمع فارسی؛ مانند عوالمها، فروع‌ها، امثال‌ها و اشباح‌ها. (همان: ۱۲-۱۳)

نتیجه گیری:

مهم ترین و کامل ترین شروحي که بر گلشن راز نوشته شده است، عبارت‌اند از: شرح صائن‌الدین ترکه (متوفای ۸۳۶هـ)، شرح شاه داعی الی الله شیرازی موسوم به نسائم گلشن (متوفای ۸۷۰هـ)، شرح شیخ محمد لاهیجی موسوم به مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز (متوفای ۹۱۲هـ)، شرح بابا نعمه الله نخجوانی (متوفای ۹۲۰هـ)، شرح الهی اردبیلی (متوفای ۹۵۰هـ) و شرح گلشن راز محمد ابراهیم بن محمدعلی خراسانی سبزواری معروف به وثوق‌الحکما (متوفای ۱۳۵۸).

وجوه اهمیت و برجستگی این شروع نسبت به شرح‌های دیگری که بر منظومه گلشن نوشته شده‌اند، یکی این است که به‌طور کلی این شروع به ابیات بیشتری پرداخته‌اند؛ و دیگر آنکه شروع مذکور یا به اقتضای تقدم بر شرح مفاتیح الاعجاز یا به سبب مشرب خاص شارحان، تحت‌تأثیر مفاتیح الاعجاز نبوده یا کمتر از آن تأثیر پذیرفته‌اند؛ سوم، از آنجاکه هریک از شارحان یادشده، کم‌وبیش نوع نگرش و زاویه دید متفاوتی داشته‌اند، استفاده از آنها می‌تواند دریافتی جامع یا دست-کم کثیرالاطراف به پژوهشگران و علاقه‌مندان به این مقوله بدهد.

اما البته در میان این مهم‌ترین شروع، شرح مفاتیح الاعجاز بی‌مانند است و در حقیقت، امام شروع گلشن راز به شمار می‌آید. این اهمیت و برجستگی تا به اندازه‌ای است که می‌توان گفت دست‌کم معتبرترین شروحي که پس از آن نوشته شده‌اند، کم‌وبیش از آن متأثر شده‌اند. آنچه موجب این جایگاه رفیع مفاتیح شده است، علاوه بر احاطه نویسنده آن، یعنی لاهیجی، به علوم مرتبط با گلشن راز و نیز نزدیکی وی با مشرب فکری و سلوکی شیخ محمود شبستری، می‌توان به اشتغال این شرح به تمام ابیات گلشن از یک‌سو و عمق مطالب آن از سوی دیگر اشاره کرد. در حقیقت، هیچ‌یک از شروع برجسته گلشن راز از این جامعیت برخوردار نیستند.

منابع و مأخذ:

- ۱- آذربایگدلی، لطفعلی بیگ، (۱۳۳۶)، آتشکده آذر، تصحیح و تحشیه و تعلیق: سیدحسن سادات ناصری، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- ۲- الهی اردبیلی، حسین بن عبدالحق، (۱۳۷۶)، شرح گلشن راز، مقدمه و تصحیح و تعلیق: محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- براون، ادوارد، (۱۳۹۵)، «از سعدی تا جامی»، ترجمه: علی اصغر حکمت، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهاردرخت.
- ۴- بهار، محمدتقی، (۱۳۵۵)، سبک‌شناسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
- ۵- پورجوادی، نصرالله، (۱۳۹۵)، «زبان حال»، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهاردرخت.
- ۶- تربیت، محمدعلی‌خان، (۱۳۱۴)، دانشمندان آذربایجان، تهران، مطبوعه مجلس.
- ۷- -----، -----، به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهاردرخت.
- ۸- ترکه اصفهانی، سائن‌الدین علی بن محمد، (۱۳۷۵)، شرح گلشن راز، تصحیح و تنظیم: کاظم دزفولیان، تهران، آفرینش.
- ۹- حکمت، نصرالله، (۱۳۹۳)، مفتاح فتوحات، تهران، نشر علم.
- ۱۰- خراسانی سبزواری، وثوق‌الحکما میرزامحمدابراهیم، (۱۳۹۰)، شرح گلشن راز، به تصحیح و اهتمام: سیدحسن مدرسی، مشهدف پایلی.
- ۱۱- دزفولیان، کاظم، (۱۳۸۲)، متن و شرح گلشن راز براساس قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شروح، تهران، طلابه.
- ۱۲- دولت‌آبادی، عزیز، (۱۳۵۵)، سخنوران آذربایجان، ج ۱، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۱۳- دینانی، ابراهیم، (۱۳۹۵)، «تفسیر دکتر دینانی از گلشن راز»، به اهتمام: کریم فیضی، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهاردرخت.
- ۱۴- رادمنش، عظامحمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفان، فلسفی و نجومی گلشن راز با تکیه بر مفاتیح الاعجاز، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۵- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۵)، «احوال، افکار و آثار شیخ محمود شبستری»، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهاردرخت.
- ۱۶- -----، -----، (۱۳۵۷)، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر.

- ۱۷- -----، -----، (۱۳۹۵)، «سیری در گلشن راز»، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهار دخت.
- ۱۸- سمیعی، کیوان، (۱۳۹۵)، «مقدمه‌ای بر شرح گلشن راز شیخ محمد لاهیجی»، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهار دخت.
- ۱۹- -----، -----، (۱۹۷۲)، گلشن راز، تهیه‌کننده قربانعلی محمدزاده و تلخیص حمید محمدزاده، باکو، علم.
- ۲۰- شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۷۶)، مجالس المومنین، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- ۲۱- شیرازی، مولانا شاه داعی، (۱۳۷۷)، نسایم گلشن (شرح گلشن راز)، به کوشش: پرویز عباسی داکانی، تهران، رستگار.
- ۲۲- صبا، مولوی محمد مظفر حسین، (۱۳۶۷)، تذکره روز روشن، تصحیح: محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران، رازی.
- ۲۳- صدری‌نیا، باقر، (۱۳۹۵)، «نگاهی بر گستره تاریخی و جغرافیایی شرح‌های گلشن راز»، چراغ جان (مهم‌ترین تحقیقات متأخران درباره شیخ محمود شبستری) به مناسبت برگزاری همایش بزرگداشت شیخ محمود شبستری، به اهتمام: محمدطاهری خسروشاهی، تبریز، بهار دخت.
- ۲۴- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳ و ۴، تهران، فردوس.
- ۲۵- کربلایی تبریزی، حافظ حسین، (۱۳۴۹)، روضات الجنان و جنات الجنان، به هتمام: جعفر سلطان‌القزایی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۶- لاهیجی، شیخ محمد، (۱۳۳۷)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، به اهتمام: کیوان سمیعی، تهران، محمودی.
- ۲۷- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۴۹)، ریحانه‌الادب، ج ۳، تبریز، شفق.
- ۲۸- نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران، تهران، فروغی.

Introduction and Criticism on Outstanding Descriptions over Shabestari's Golshaneraz

Abdulhossein Latifi, Assistant Professor, Department of Religion and Mysticism, Islamic Azad University, Shar-e-Rey Branch (Yadegar-e-Imam)^۱

Abstract:

Poems of Golshaneraz can truly be encountered as a complete course of speculative mysticism and even its certificate. in spite of its small bulk and its few couplets, Golshaneraz explains the valuable and deep contents of mysticism exactly. These characteristics have complicated an exact understanding even for the experts. Thus numerous descriptions have been written on it. Introducing the most significant descriptions of Golshaneraz, this article seeks to assert and criticize the prominent attributes of them briefly. As a conclusion, it can be said that among the important descriptions of Golshaneraz, Mafatiholeajaz is the most significant and effective one; because it deals with all couplets of Golshaneraz and its contents are very deep and complicated simultaneously so that the latter descriptions are more or less affected by it .

Keywords: *Descriptions, Golshaneraz, Mafatiholeajaz, Nasa'iem, Saienoldin, sharheElahi Ardabili.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ *Hoseinlatifi۸۹@gmail.com*